جام جم

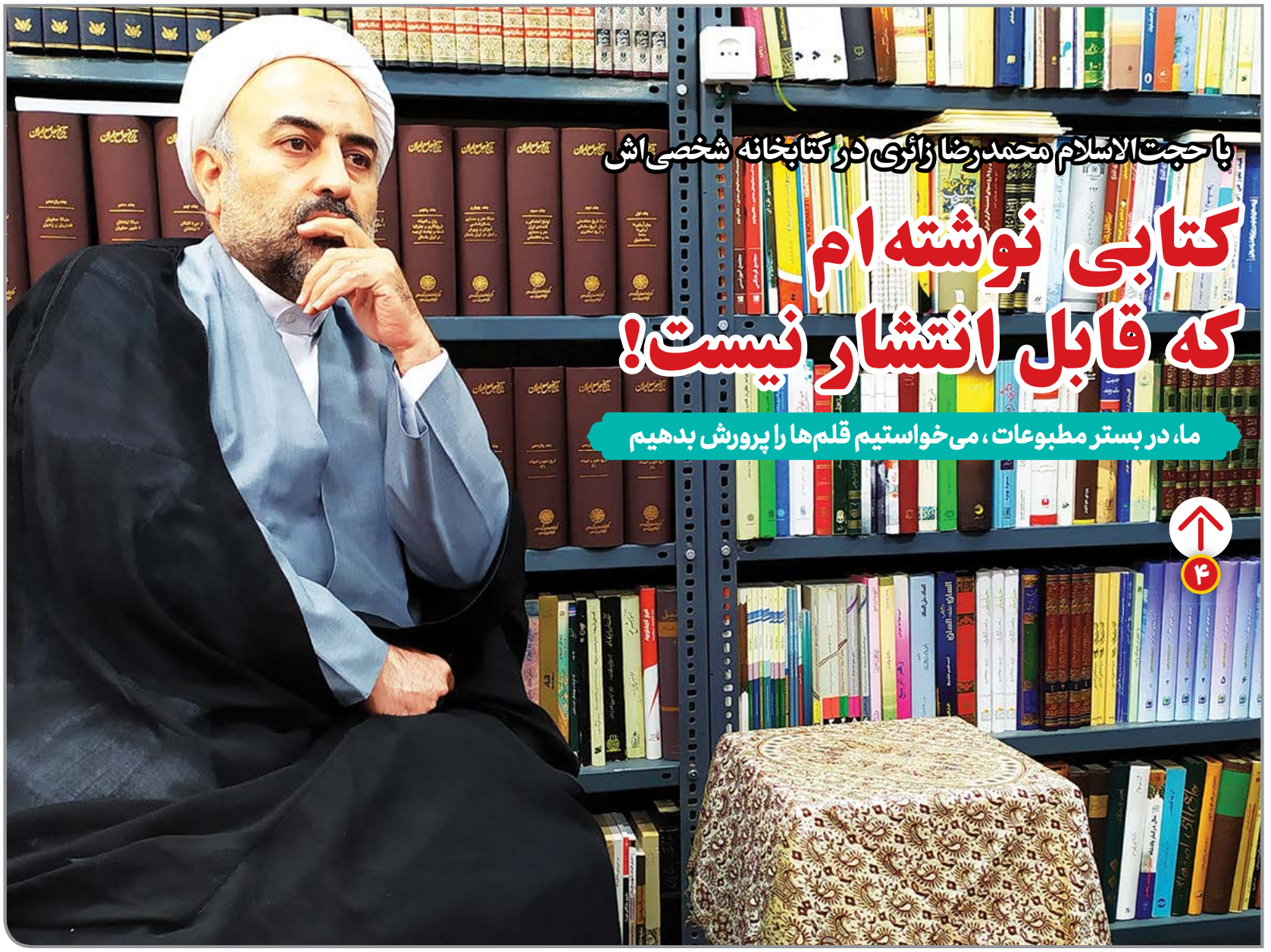
قفسه کتاب

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم | سه‌شنبه؛ ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ | شماره ۱۷۶



نگاهی به کتاب
«پسری از خیابان اروس»

۶



با حجت‌الاسلام محمدرضا زائری در کتابخانه شخصی‌اش

کتابی نوشته‌ام که قابلِ انتشار نیست!

ما، در بستر مطبوعات، می‌خواستیم قلم‌ها را پرورش بدهیم

۴

در آغاز

درباره کتاب «من برمی‌گردم»

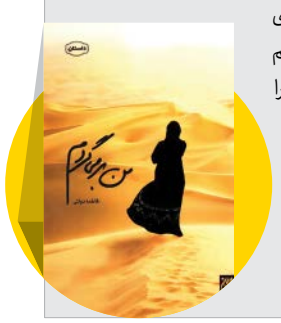
حس خوبِ خوانده شدن



فاطمه دولتی
نویسنده

چند سال پیش گمان می‌کردم نویسنده‌ها بعد از این‌که کتاب‌شان از چاپ بیرون می‌آید، آسوده می‌شوند و دیگر نه فکر و خیالی دارند و نه اضطرابی. می‌نشینند و فروش رفتن کتاب‌شان را تماشا می‌کنند. اما پس از این‌که اولین اثرم منتشر شد، فهمیدم انتشار کتاب، آغاز ماجراست یعنی نقطه شروع دل‌نگرانی‌ها. از روزی که کتاب نویسنده‌ای وارد بازار نشر می‌شود تا زمانی که اولین نظر و انتقاد مخاطب را می‌شنود، فاصله چندانی نیست اما این بازه کوتاه برای نویسنده کند و کشدار می‌گذرد. او هر لحظه منتظر است تا ببیند آنچه نوشته مورد پسند است یا نه؟ من هم از این قاعده مستثنا نبودم، سال ۱۳۹۹ کتاب «من برمی‌گردم» داستان زندگی بانوان رجعت کننده در سالروز وفات حضرت خدیجه منتشر شد و من با شوقی آمیخته با دلهره امیدوار بودم آنچه بعد از یک‌سال و نیم پژوهش و نگارش خلق کرده‌ام به دل مخاطب بنشیند. کم کم نظرها از راه رسید. نظرهای روشن و امیدبخش، پیام‌هایی از جنس امید. زنان و دختران زیادی می‌گفتند بعد از خواندن کتاب به زن بودن خود بالیده‌اند، از خواندن سرنوشت شخصیت‌های کتاب اشک ریخته‌اند و در دل‌شان آرزو کرده‌اند زنی باشند شبیه زبیده خاتون، صیانه، قنوا، حبابه، ام خالد، سمیه و برکه و من چه می‌خواستم جز این؟ در این میان پیام‌های دیگری هم وجود داشت، افرادی کار را زیر ذره‌بین نقد قرار داده بودند و کم‌جانی قلمم را نشانم می‌دادند. این پیام‌ها در عین این‌که لبخند را از لبم می‌گرفت اما دلم را قرص می‌کرد. همین که کارم خوانده می‌شد، همین که مخاطبانی وقت عزیز و گرانبهای‌شان را صرف کتاب کرده و سپس برایم نوشته بودند، یک دنیا می‌ارزید.

نقدها را به دیده منت می‌پذیرفتم تا برای آینده چراغ راه باشند و تمجیدها را کنج قلبم می‌گذاشتم تا وقت خستگی مرورشان کنم و ذوق بدود زیر پوستم. حالا قلب من همیشه و هرجا برای «من برمی‌گردم» می‌تپد، هنوز هم پر از بیم و امیدم اما شنیدن نظر افرادی که کتابم را خوانده‌اند، چه نقدی بی‌رحمانه باشد چه تحسینی دل آب کن، برایم بزرگ‌ترین لذت دنیاست، چراکه حس خوب خوانده شدن را به من هدیه می‌کند و چه لذت بی‌نظیری است لذت خوانده شدن.



مزایده ۳۲۱۲ و ۳۲۱۳/ ۱۴۰۱/
خودرو و اقلام
مرکز فروش کوثر
شرح در صفحه ۳

تیشه

پذیرش آگهی: ۴۹۱۰۵۰۰۰
jamejamdaily.ir